

قتل عام خانوادگی در کمتر از ۶ ساعت

■ راز قتل هولناک سه عضو یک خانواده که با نقشه دختر بزرگ خانواده و همدستی دو مرد طراحی و اجرا شده بود، پس از ۴۰ روز با اظهارات پسر جوانی به پلیس فاش شد.



از اتاق بیرون آمد تا به سرکار برود، اما با مادرم دعواش شد و من به عنوان میانجی وارد شدم و شوهر مادرم را به اتاق خودم بردم و در آنجا سروش با گلدان کریستالی در گاو صندوق نگهداری می کرد. ثروت مادر و اذیت‌های او باعث شد تا با پدرم تصمیم به قتل او بگیریم.

مادرم وقتی به سالن پذیرایی آمد روی کاناپه خوابید. ساعت ۷ و نیم صبح بود که سروش به سرانگشت رفت و با همان گلدان کریستال چندین ضربه به سر او زد و بدین ترتیب سومین قتل را هم مرتکب شدیم و جسد مادرم را هم به حمام انتقال دادیم. بعد از آن وسایل بازرش را از خانه خارج کردیم. در این مدت چند باری به خانه سر زدیم اما بعد از مدتی اجساد بو گرفت و تصمیم گرفتیم تا آنها را از بین ببریم تا کسی از راز قتل‌ها با خبر نشود.

بشکه‌های اسیدی زنی جوان گفت: برای این کار تصمیم گرفتیم اجساد را داخل بشکه اسید بسوزانیم. جسد خواهرم را سروش و من با هم در آنجا گذاشتیم و برای این کار دو جازبه دیگر پیدا نکردیم.

با اعتراف سهیلادو همدست دیگرش نیز بازداشت شدند.

سروش در تحقیقات اولیه به سه قتل اعتراف کرد و گفت: قرار بود برای این مدت هیچ پولی دریافت نکردم. با اعتراف نهمان، آنها با قرار بازداشت موقت در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شدند و تحقیقات به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت ادامه دارد.

گروه حوادث - شامگاه سه‌شنبه

۱۲ اسفند، پسر جوانی به اداره آگاهی مرکز رفت و به افسر نگهبان گفت: من از یک قتل عام خانوادگی فیجیع یا خیر هستم و به خاطر عذاب وجدان، تصمیم گرفتم راز این قتل‌ها را بر ملا کنم. به دنبال اظهارات پسر جوان، او دقایقی بعد در مقابل افسر کشیک قتل اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت و گفت: من در بازار موبایل کار می‌کنم و خانه‌مان در محدوده بلوار ابوذر است. حدود ۱۰ روز قبل، یکی از دوستانم را در خیابان دیدم و همراه او به خانه دوست دخترش رفتم و وقتی وارد خانه آنها شدم برای سستی دست و صورت می‌خواستیم به دستشویی برویم اما چون با خانه آنها آشنایی نداشتیم به اشتباه وارد حمام شدم اما ناگهان با مشاهده صحنه‌ای عجیب در جا خشکم زد. داخل حمام با جسد زن و مردی میانسال رو به رو شدم. از ترس بلافاصله در را بستم و به اتاق برگشتم. بعد هم به بهانه‌ای خیلی زود خانه را ترک کردم.

کشف راز ۳ جنایت

به دنبال اظهارات پسر جوان، موضوع به بازپرس حبیب‌الله صادقی اعلام شد و کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به سرپرستی مهدی مسلمی، رئیس اداره جرایم جنایی، تیم تشخیص هویت و متخصصان پزشکی قانونی راهی محل شدند. ساعت ۱۵ دقیقه بامداد چهارشنبه ۱۳ اسفند، تیم تحقیق وارد طبقه پنجم خانه‌ای شدند که در ادامه تحقیقات مشخص شد، سه جنایت فیجیع در آن رخ داده است. با ورود به خانه، آنها متوجه بهم ریختگی وسایل و به سرقت رفتن بخشی از اموال خانه شدند. همچنین به محض ورود به حمام جسد مرد و زنی را پیدا کردند و یک بشکه که پر بود از اسید. وقتی محتویات داخل بشکه بررسی شد مأموران موفق شدند تکه‌های استخوان سر و شانه زن جوانی را از داخل آن بیرون آورند. در معاینات متخصصان پزشکی قانونی مشخص شد از زمان قتل‌ها حدود ۴۰ روز می‌گذرد و علت مرگ نیز اصابت جسمی سنگین به سر اعلام شد. در کنار بشکه‌ای که جسد دختر جوان داخل آن پیدا شد، دو بشکه دیگر و ظروف پر از اسید کشف شد که نشان می‌داد عاملان جنایت قصد از بین بردن دو جسد دیگر را نیز داشته اما

محاکمه دوباره قاتل آرمان

این پسر قبلاً تبرئه شده بود



بازسازی صحنه جرم وی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و ادعای دفاع مشروع را مطرح کرد. وی گفت: باور کنید اگر آرمان را با چاقو نزنده بودند در آن دعوا کشته می‌شدم. او در ماشین با من گلاویز بود و میخواست با چاقو مرا بزند. افسرین نیز حرف‌های وی را تایید کرد و گفت کیوان در هواخواهی از او آرمان را کشته است. در پایان جلسه قضات دادگاه دفاع مشروع وی را پذیرفتند و وی را از قصاص معاف کرده و کیوان به

گروه حوادث - با شکسته شدن حکم دیه پسری که در هوا خواهی از دوستش، دست به قتل زده بود، وی بار دیگر پای میز محاکمه ایستاد.

وی پیشتر به خاطر دفاع مشروع از قصاص معاف و به پرداخت دیه محکوم شده بود. اما این حکم در دیوان عالی کشور شکسته شد.

ماجرای قتل آرمان چه بود؟

عصر نوزدهم اردیبهشت ماه سال ۹۶ پیکر خونین پسر ۲۷ ساله‌ای به نام آرمان به بیمارستان ضیائیان منتقل شد. وی از ناحیه سینه چاقو خورده و به شدت خونریزی داشته که تسلیم مرگ شد. دوست آرمان که وی را به بیمارستان منتقل کرده بود دوست دیگروش به نام کیوان را به عنوان عامل جنایت معرفی کرد.

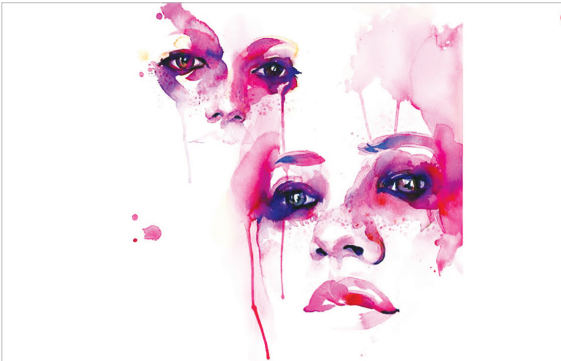
افشین گفت: کیوان در دعوا با آرمان وی را چاقو زده است. با اطلاعاتی که این شاهد به پلیس داده بود کیوان ردیابی و بازداشت شد. وی به تشریح جزئیات ماجرا پرداخت و گفت: بمن و آرمان و دو دوست دیگرمان باهم برای تفریح به پارک المهدی رفته بودیم. اما آنجا

سر مسائل کوچک با هم درگیر شدیم. درگیری میان من و آرمان با وساطت دوستانمان پایان یافت. ما سوار ماشین افشین شدیم تا به خانه برگردیم. اما ماشین افشین با ماشین دیگری تصادف کرد. افشین از ماشین پیاده شده بود که متوجه شدم آرمان قصد دارد از ماشین دوستانم سرتفت کند. به همین خاطر با او درگیر شدم. آرمان یکبار از جیبش چاقو بیرون آورد و به سمت حمله کرد. من چاقو را از او گرفتم و به سمتش پرت کردم. اما ناخواسته چاقو به سینه اش برخورد کرد.

به دنبال اعتراف‌های پسر جوان و

راز م را به قید در شب خواستگاری گفتم اما او بعد از ازدواج رنگ عوض کرد

داد تا این که فهمیدم همسر از مصرف مواد مخدر سستی فراتر رفته و به مواد مخدر صنعتی آلوده شده است. در این شرایط من نیز مجبور به پیوند کلیه شدم. به همین دلیل با کمک خیران و اطرافیانم در بیمارستان بستری شدم و بعد از پیوند کلیه اکنون دارم و مصرف می‌کنم ولی از کتک کاری‌های همسر در امان نیستم، به گونه‌ای که او هفت ماه قبل بر اثر تومر ناشی از مصرف مواد مخدر صنعتی و مشروبات الکلی مرگ آن قدر کتک زد که زیر دست و



مبا هم از دواج کردیم اما بعد از آغاز زندگی مشترک ناگهان ورق برگشت و رفتار همسرم به کلی تغییر کرد. او دیگر قادر دوران نامزدی نبود و بسیار خشن و بد اخلاق با من برخورد می‌کرد. حتی اجازه رابطه با خانواده ام را هم نمی‌داد. در این میان با فرزندم نیز به صورت یک زندانی برخورد می‌کرد و اجازه نمی‌داد با کودکان دیگر بازی کند یا با فرزندان فامیل بیرون برود. او اعتراض‌های مرا نیز با کتک پاسخ می‌داد تا این که فهمیدم همسر از مصرف مواد مخدر صنعتی آلوده شده است. در این شرایط من نیز مجبور به پیوند کلیه شدم. به همین دلیل با کمک خیران و اطرافیانم در بیمارستان بستری شدم و بعد از پیوند کلیه اکنون دارم و مصرف می‌کنم ولی از کتک کاری‌های همسر در امان نیستم، به گونه‌ای که او هفت ماه قبل بر اثر تومر ناشی از مصرف مواد مخدر صنعتی و مشروبات الکلی مرگ آن قدر کتک زد که زیر دست و

گروه حوادث - روزی که با خواستگارم به گفت و گو نشستیم، به او گفتم که من بیماری دارم اما او که به ظاهر مردی آرام و خوش اخلاق به نظر می‌رسید، ماجرای بیماری مرا موضوعی که اهمیت در ازدواج تلقی کرد اما اکنون که پیوند کلیه شده ام ... راز م را به قیدسر در شب خواستگاری گفتم اما او بعد از ازدواج رنگ عوض کرد

این ها بخشی از اظهارات زن ۴۸ ساله‌ای است که به خاطر اعتیاد،

بیکاری و کتک کاری از همسرش شکایت دارد. این زن در باره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری پنجن مشهد گفت: اگرچه تا مقطع راهنمایی درس خواندم و پس از آن ترک تحصیل کرده ام اما خانواده ام مرا به شدت دوست داشتند، حتی زمانی که در سنین نوجوانی پزشکان تشخیص دادند که من به بیماری حاد کلیوی دچار شده ام، مراقبت خانواده

نمی‌گذاشتند آب در دم تکان بخورد. آن ها همه هزینه‌های درمانم را می‌پرداختند بدون آن که کوچک ترین متنی بر سرم بگذارند. روزگار به همین ترتیب سپری می‌شد تا این که «قدیر» به خواستگاری ام آمد. آن شب من صادقانه همه چیز را با او درمیان گذاشتم و درباره بیماری ام نیز توضیح دادم. او هم که مردی خوش اخلاق به نظر می‌رسید ماجرای بیماری ام را نادیده گرفت و

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

خدمات

خرید و فروش و ...

استخدام

مفقودی



صنایع خوب حلاج کیش

کلیه سفارشات

MDF، چوبی

دکوراسیون غرفه و منزل

تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

فروش زمین

یک قطعه زمین ۵۱۲ متری

(۳۲*۱۶) دو بر واقع در

بلوار ورودی بندر چارک به

بالاترین قیمت به فروش

می رسد. ۰۹۱۷۱۶۲۱۴۷۳

خدمات

فود فور کیش

سامانه آنلاین سفارش غذا

از رستورانهای جزیره کیش

وب سایت و اپلیکیشن

www.F4k.ir



آموزش موسیقی

پیانو - آواز - سلفژ

سنتور - تنبک

دف (ویژه بانوان) - گیتار

زیر نظر لیسانس موسیقی با ۳۰ سال سابقه

تدریس و اجرای عمومی ۰۹۱۲۴۱۲۹۷۴۷

یک رستوران دریایی جهت تامین کادر

پرسنلی به نیروهای زیر نیازمند است:

آشپز ایرانی - کمک آشپز - ظرفشور -

تخته کار - خدماتی - کانتر کار خانم

تلفن تماس: ۰۹۳۴۷۶۸۲۹۲۳

گمشده

یک عدد کارت پایان خدمت بنام ابراهیم زارع پور

در محدوده مجتمع بانکها مفقود گردیده است از

یابنده خواهشمندیم با شماره زیر تماس بگیرید.

شماره تماس: ۰۹۱۷۹۴۹۱۴۹۲

نیازمندیهای

اقتصاد کیش

۴۴۴۲۳۹۱۰

۴۴۴۲۳۹۹۹

اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی

تجاری، اداری، پروژه هاو ...

با مه پاش های سرد - فوری

ضد عفونی

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷

شرکت شاندیز کیش

